

شرط استفاده از محضر مبارک امام عصر(عج) خصوصاً، یا شرط استفاده از محضر امام معصوم(ع) عموماً، همانطور که از قرآن و تفسیر استفاده می شود «حضور قلب» است. همانگونه که انسان به محضر خدای تعالی می تواند وارد شود و یا درک کند و خودش را در محضر الهی ببیند که لازمه آن حضور قلب است. چون در مورد نماز که ذکر الهی و حضور در محضر ذات اقدس الهی است، شرط آن را حضور قلب فرموده اند. ﴿لَا صَلَوةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ﴾ [۱]. قلب یعنی حقیقت انسان. انسان نماز می خواند ولی حقیقت و جاننش همراه او وارد نماز نشده است، بدن انسان است که نماز می خواند نه جان او، چرا؟ چون جاننش نیامده است تا نماز بخواند، جاننش اصلاً اینجا نیست. گاهاً انسان بدنش به مسجد می آید ولی جاننش نیامده چون نمی تواند بیاید، در تحت اختیارش نبود که با او بیاید. آنگونه که قرآن می فرماید: در اثر گناه جان انسان، حقیقت انسان گرو می ماند. ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾ [۲]. انسان ها دو دسته اند یا آزاد یا اسیر. انسان هایی که تبعیت هوا و هوس می کنند و اهل گناهند یا کم و زیاد گناه می کنند اینها اسیرند مگر اینکه دست به آزادی خود بزنند. این جانانشان که در گرو است را آزاد کنند ﴿تَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ﴾ [۳]. حضرت آدم(ع) خواست جان خودش را آزاد کند. چون با آن ترک اولی گرفتار شد. خاندان عصمت و طهارت را واسطه قرار داد تا آزاد شود. همانطور که در حکم قضایی وثیقه ای می گیرند و شخص را آزاد می کنند، اگر وثیقه ای نگذارد اجازه نمی دهند برگردد. گاهاً باید خاندان عصمت و طهارت را انسان وثیقه قرار دهد تا برگردد. می بیند به مسجد آمده ولی چون وثیقه قرار نداده نمی گذارند جاننش بیاید. انسان می آید مسجد و وقت برگشتن می بیند چیزی گیرش نیامده است چون نیامده بود. به همین خاطر می فرمایند خیلی ها به محضر قرآن می آیند ولی ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [۴]. دست خالی می آید و دست خالی بر می گردد. چرا؟ چون آن جانی که باید می آمد و استفاده می کرد نیامده بود، چرا؟ چون اسیر بود گروگان بود. قرآن با دو سه تعبیر این اسارت را بیان می کند. ما باید تلاش کنیم تا محضر امام را درک و استفاده کنیم. عرض شد که هیچ مانعی بین ما و معصوم(ع) در استفاده از محضرشان نیست غیر از گناهان، هیچ حاکم و سیستمی نمی تواند بین انسان و هادی انسان که امام(ع) است مانع شود، چون امام معصوم(ع) با جان انسان در ارتباط است. جان انسان قرار است به محضر امام(ع) برسد جهت استفاده و به جان انسان هیچکس دسترسی نمی تواند داشته باشد. قرآن یک موقع می فرماید در اثر گناهان جان انسان اسیر می شود ﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [۵]. اما نمازگذاران آزادند. آنها که در عبودیت هستند ﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ [۷] اینها هیچوقت اسیر نمی شوند و هرگاه اسیر شدند سریع خودشان را آزاد می کنند. می بینید وقتی خود آدم اسیر می شود دست و پا می زند که از بستگان کسی بیاید و ثبته جهت آزادی او بگذارد، چرا؟ چون آبرویش در خطر است. اگر یک شب در زندان بماند ضایعه ای که ایجاد می شود را چه بسا نتواند از بین ببرد. انسان های مومن در ۵ وقت نماز تلاش می کنند سریع خودشان را آزاد کنند چون آبرویشان در خطر است. اگر دیر بشود ممکن است قابل جبران نباشد به همین خاطر می فرمایند که مومنان با نماز خودشان را سریع آزاد می کنند.

[۱]. با جست و جویی که در منابع دست اول حدیثی انجام شد روایتی که کاملاً منطبق با متن ارائه شده باشد، مشاهده نشد.

روایتی شبیه به این مضمون:

الف . امیر المؤمنین(ع) می فرماید: بنده ای که در برابر خدا می ایستد باید از آشفتگی فکری خود بکاهد، زیرا از نماز همان مقداری که حضور قلب داشته نصیب اوست. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۰۳

ب. از امام رضا(ع) نقل شده که فرمود: نماز نیست مگر با وضوی پر آب و حاضر ساختن نیت و خلوص با یقین و توجه دل به خدا و ترک هر چیز غیر از خدا. (فقہ الرضا (ع) ص ۷۰)

[۴]. سوره اسرا آیه ۸۲

[۳]. سوره بقره آیه ۳۷

[۲]. سوره مدثر آیه ۳۸

[۷]. سوره معارج آیه ۲۲

[۶]. سوره اسرا آیه ۸۲

[۵]. سوره اسرا آیه ۸۲

نمی گذارند طولانی شود این بازداشت و اسارت یا تعبیر دیگری که قرآن دارد این است در اثر گناه مجاری ادراکی انسان رسوب پیدا می کند. ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [۱]. در اثر گناه مجاری از کار می افتد، انسان کر و کور می شود لال می شود. خب بیایم به مساجد و در اثر اشتباهی کر و لال و کور شوم، آمدنم در آن موقع به چه درد من می خورد وقتی هیچ درکی ندارم از فضا. من نمی بینم که همه گریه می کنند لا اقل به گریه آنها من بگیریم. زبان هم ندارم تا بگویم به دادم برسید و یکی هم برای من دعا بکنند ﴿صُمَّ بَكْمَ عُمَى﴾ [۲] در اثر گناه انسان گرفتار می شود. آمده است ولی با نیامدنش یکی است، در هردو حالت یکی است. با آمدنش فقط به اذیت افتاد ولی استفاده ای نکرد. انسان همین که به گناه افتاد، در محضر امام هست ولی استفاده نمی تواند بکند چرا؟ چون کر است، کور است و لال است. زبان ندارد که بگوید آقا به داد من برس، این حرف زدن ما اصل نیست. اصل این است که زبان دل مل باز بشود.

ای خدا جان را تو بنما آن مقام

کاندرو بی حرف می روید کلام [۳]

انسان باید جانش حرف بزند. در ادبیات عرفانی می فرمایند که گاهی وقت ها انسان باید به حواسش قفل بزند و ساکتشان کند تا سایر مجاری ادراکی بکار بیفتد. انسان اگر می خواهد چشم دلش ببیند باید چشم سرش را گاهی اوقات تعطیل کند. به نامحرم نگاه نکند تا ببیند. چشمت را ببند تا ببینی! به غیبت گوش نده، کر باش تا بشنوی! این گوش نباید هر چیزی را گوش دهد. این زبان را باید لال کرد چرا چون ﴿اللِّسَانُ جَرْمُهُ صَغِيرٌ وَ جَرْمُهُ كَبِيرٌ﴾. این زبان بی حد و حساب حرف بزند، آن زبان قفل می شود. انسان در محضر امام هست و چیزی نمی خواهد. خیلی ها هستند که زن و شوهرند و شوهر اهل فضائل ولی زن یکبار هم نخواست است که از آن مطالب که به مردم می گویی به من هم بگو. چرا نمی گوید؟ چون لال هست. به تعبیر علامه جعفری به من در خانه کچل تقی می گویند. چون نمی دیدند او را کچل تقی می شناختند و هر کس هم در آن حد ببیند سوال نمی پرسد. چون آنچه را که باید ببیند نمی بیند چرا؟ چون چشم عالم بینش کور شده است و الا اگر باز بود و می دید مانند جماعت استفاده می کرد. تعبیر دیگر قرآن در رابطه با اینکه مانع هست برای استفاده از محضر امام در اثر گناه، این است که به مجاری ادراکی انسان قفل زده می شود ﴿فَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ [۴]. چرا نمی توانید در قرآن تدبر کنید چون بر دلهایتان قفل زده شد است. استفاده از قرآن ندارد می خواند ولی بی بهره است. قرآن برای هدایت است نه برای خواندن. می خواند و استدلال می کند علی (ع) معصوم نیست، خلیفه بلافضل نیست! استدلال می کند که پیامبر وحی بعد از خود قرار ندارد، کاملاً اشکار بر خلاف قرآن حتی ظاهر قرآن استدلال می کند چون ﴿أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾. ما هم اینگونه ایم در محضر امام بر خلاف قرآن استدلال می کنیم. در محرم می بینم همه در محضر امام حسین (ع) هستیم ولی بر خلاف حضرت استفاده می کند! حلال و حرام را به هم می ریزند. حقوق واجبه را نمی دهند کلاه برداری می کند و شله زرد هم احسان می کند! امام بر رعایت خمس و زکات و درآمد حلال توصیه فرمودند ولی اینها احسان می دهند که امام نفرموده است. اصل و اولویت آن است نه این. مردم اگر خمس و زکات بدهند کلی مشکلات فقر و حتی دین حل می شود. عالم تربیت می شود در جامعه اسلامی چون بخشی از خمس به این امر اختصاص دارد. خمس را نمی دهند سهم امام است و طلاب هم نمی توانند خوب درس بخوانند و دیگر علامه طباطبایی و علامه مطهری نداریم، اینجا جوادی آملی نداریم، چرا؟ چون حقوق واجبه را نمی دهند و شله زرد پخش می کنند. چرا چون از محضر امام استفاده نمی کنند. قصد داشتیم این مطلب را امروز در محضر شما به خودم عرض کنم که اگر بخواهیم از محضر امام معصوم (ع) استفاده کنیم بعبارتی باید خودمان را آزاد کنیم. ﴿لَا صَلَوةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ﴾، در محضر امام بودن نماز است. یا مجاری ادراکی مان که از کار افتاده را به کار بیندازیم.

[۲]. سوره بقره آیه ۲۷۱

[۱]. سوره مطففین آیه ۱۴

[۴]. سوره محمد آیه ۲۴

[۳]. کتاب مثنوی مولوی دفتر اول بخش ۱۴۴

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [۱]. در کنار پیامبر بودند و استفاده نکردند به پیامبر فرمود اینها کر و کورند اینها مرده اند ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ [۲] و ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ﴾ [۳]. گناه انسان را فلج می کند. انسان دستش تکان نمی خورد تا از دریای کمال بی کران امام جرعه ای از آب بردارد و بنوشد چون فلج شده است. به همین خاطر در قیامت که حقیقت آشکار می شود خواهد دید تشنه کنار آب جان داده است. چون امام (ع) ماء معین است. یعنی آبی که جلو چشم هست. امام در کنار ماست از ما به ما نزدیک تر است ولی من فلج هستم. من تکان نمی توانم بخورم که از آب هستی او به هستی خودم جرعه ای جاری کنم و زنده شوم. یا اینکه به قلب هستی من قفل زده شده است. می گویند چرا پسرت را به مسجد نیوردی، اگر حقیقت را بگوید می گوید پسر من در بازداشت هست. کسی که پول را رهن کرده پول مال اوست ولی حق خرج ندارد، تا آزاد نشود نمی تواند استفاده کند. پول در بانک است ولی همراه تو نیست. من به دعای ندبه می آییم ولی جانم نیامده است، چرا؟ چون شب گرفتنش و دستگیرش کردند. البته نیامدن مکانی است در نماز قبل از ورود می گویند استغفار کنید تا بلکه جانتان آزاد شود، اصل آن است که جانتان نماز بخواند. قبل از دعا جانتان را آزاد کنید قرار است جانتان از محضر امام استفاده کند و مشرف شود.

خداوند جافان را به احترام امام زمان (عج) از اسارت گناه آزاد کند.
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[۱]. سوره مطفین آیه ۱۴

[۲]. سوره نمل آیه ۸۰

[۳]. سوره فاطر آیه ۲۱